

ایشان جلوی پدرش هرگز شوخی نمی کرد!

۸ اردیبهشت ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۰۱

یکی از چهره های ماندگار در تاریخ معاصر ایران، استاد شهید مرتضی مطهری می باشد، به نحوی که با منش و رفتار بی بدیل خود، نمونه ای یگانه در حوزه روحانیت به شما می آیند که در این بین بزرگان فراوانی در باره ایشان به بیان خاطرات پرداخته اند که از جمله آنان مقام معظم رهبری می باشند.

من با مرحوم استاد شهید عزیزمان آقای مطهری غائبانه از دیر باز آشنا بودم؛ کتاب های ایشان را دیده بودم و خوانده بودم؛ کتاب هایی که آنوقت چاپ شده بود. اما آشنایی نزدیک ما از حدود سال ۱۳۴۲ بود که ایشان در تهران بودند و من هم می آمدم از قم به تهران. این آشنایی، اول آشنایی رقیقی بود، تدریجا پیوسته و مستحکم تر شد، طوری شد که ایشان هر وقت مشهد می آمدند، برای یک روز یا دو روز به منزل ما می آمدند و ساعت های متمادی مأنوس بودیم، صحبت می کردیم، با هم گاهی فریمان رفته بودیم که موطن اصلی ایشان و محل ولادت ایشان بود. وقتی من تهران می آمدم بارها منزل ایشان می رفتم و روابط ما با ایشان صرفا روابط عملی و دوستی فکری نبود، بلکه تدریجا انس زیادی با ایشان پیدا کرده بودیم و من قلبا محبت خیلی شدیدی به ایشان داشتم و ایشان هم خیلی به من لطف داشتند. در شورای انقلاب هم، با هم بودیم هر روز، تقریبا غالب روزها در اوقات شلوغی و تراکم کار تا روز شهادت ایشان، که ما با شهادت ایشان داغ دار شدیم.

من انس به عبادت را از پدرم یاد گرفتم

محیط خانوادگی آقای مطهری یک محیط ممتاز بود؛ پدر ایشان جزو روحانیونی بود که جنبه معنوی و زهد و تقوا یک فرد ممتاز بود؛ خود مرحوم مطهری عمیقا به پدرش ارادت می ورزید و احترام پدرش را در حد زیاد و کم نظیر نگه می داشت؛ ایشان جلوی پدرش هرگز من ندیده بودم شوخی کند، بارها اتفاق افتاده بود در جلساتی که ما در مشهد با آقای مطهری داشتیم، پدر ایشان هم حضور داشت؛ ایشان در مقابل پدرشان به قدری مؤدب برخورد می کردند که این حاکی از این بود که عمیقا برای پدرشان احترام قائل بودند؛ خود ایشان هم بارها می گفت: من انس به عبادت و ذکر اخلاق اسلامی را از پدرم یاد گرفتم؛ این یکی از عوامل مؤثر در شخصیت ایشان بود.

تاثیر امام خمینی

دوران طلبگی آقای مطهری بود جزو دوره های بسیار خوب حوزه بود؛ تازه در قم آن نشو جدید حوزه شروع شده بود؛ ایشان در سال ۱۳۱۸ شمسی آمدند قم و سال ۱۳۲۰ قم از آن فشار و اختناق می گذشت که بر اثر حکومت پهلوی داشت خارج شده بود. بنابراین ایشان دو سال از دوران اختناق قم را و حوزه علمیه قم را که همه چیز قاچاق بود لمس کرده بودند؛ بعد از دوران شکوفایی مجدد حوزه علمیه قم، که سه مرجع معروف در قم بودند «مرحوم آیه الله حجت، مرحوم آیه الله خوانساری و مرحوم آیه الله صدر» این سه نفر در قم بودند که هر سه این سه نفر با هم و با همکاری، حوزه را اداره می کردند. بعد هم مرحوم آیت الله بروجردی بعد از دو سه سالی آمدند و قم رونق گرفته آغاز طلبگی و دوران پارسایی طلاب و توجه و عنایت طلاب به جنبه های معنوی و اخلاقی دورانی بود که مرحوم مطهری در آن دوران در قم بودند؛ این هم مؤثر بود و بعد از اینها مسأله اساتید ایشان است ایشان درس اخلاق و فلسفه را اول بار از امام آموختند. امام خمینی در قم، اوایل درس فلسفه می گفتند. بعد ایشان فلسفه را ترک گفته بودند و فقط فقه و اصول می گفتند. از شاگردان دوره اول امام در مباحث فقه و اصول و نیز از شاگردان دوره فلسفه ایشان آیت الله مطهری است. خوب پیدا است که تأثیر استادی مثل امام خمینی در روی یک شاگردی در آغاز نشو علمی چقدر زیاد است آنهم در آن درس های حضوری که در آن زمان داشتند که درس حوزه محدود بود و استاد می توانست درست روی شاگردانش اثر بگذارد، این هم در تکوین شخصیت ایشان مؤثر بوده.

مطهری اگر در قم می ماند، یک مرجع تقلید می شد

از جمله عناصر دیگری که روی شخصیت مرحوم مطهری مؤثر بود، علامه طباطبایی بود؛ ایشان بارها از علامه طباطبایی به صورت یک مراد و یک معشوق اسم می برد و حتی یک برهه ای از زمان، ایشان می گفتند که من دلم می خواهد اینجا کارهای دانشگاهی را روبراه بکنم و بازنشسته بکنم خودم را و بروم قم و مثل علامه طباطبایی بنشینم مشغول فعالیت و تدریس بشوم. یعنی ایشان سال هایی به درس علامه طباطبایی رفته بودند و از محضر ایشان به دنبال کاری که بتواند زندگی خودش و خانواده اش را اداره کند، قرار می گیرد. آمدن به تهران و محیط تهران و آشنایی با اصحاب فکر و اندیشه در قسمت های دیگر به ایشان آن بعد دیگرش را که که عبارت بود از اطلاع و سرکشیدن به همه بخش های اندیشه اسلامی و فلسفه و فرهنگ و ادب، آن را هم در ایشان تکمیل کرد؛ یقیناً اگر آقای مطهری در قم می ماندند، ممکن بود یک مرجع تقلید بزرگی بشوند؛ اما آن بینش وسیع و اطلاعات همه جانبه در تهران فقط برای ایشان می توانست پیش بیاید که در ارتباط با محیط های مختلف و شخصیت های فکری و علمی مختلف دست داد. بنابراین شخصیت ایشان از فریمان و در خدمت پدر مؤمن ربانی آگاهش آغاز شد و به تهران ختم شد و همه این عناصر مختلف محیط خانوادگی پدر، محیط حوزه علمیه قم، استادانی مثل امام خمینی و علامه طباطبایی و محیطی مثل تهران در تکوین این شخصیت مؤثر بود.

این مرد دارای استعداد فکری بی نظیری بود

اما آن چیزی که همه این استفاده ها را برای آقای مطهری ممکن می کرد استعداد قوی این مرد بود. این مرد دارای استعداد فکری بسیار زیادی بود؛ یک مغز بزرگ بود. والا خیلی ها بودند که در یک محیط روستایی رشد کرده بودند، در یک حوزه علمیه

بودند و بعد هم به تهران آمدند، اما هرگز استاد مطهری نشدند؛ آنچه که در ایشان به عنوان جوهر اصلی قضیه وجود داشت عبارت بود از همین قوت استعداد فکری ایشان که در مجموع همه اینها شخصیت بزرگی ساخت که هم در محیط علمی، یک عنصر برجسته بود و هم در محیط سیاسی- اجتماعی. همین حضور در تهران و شرکت در فعالیت های سیاسی- اجتماعی در طول سال های دراز به ایشان یک بعد سیاسی هم داده بود و من فکر می کنم اگر چنانچه ایشان در حال حاضر زنده بود، یکی از عناصر اصلی تعیین کننده خط مشی کلی جامعه ایرانی ما بود.

منبع:

*واثقی، محمد حسین، (مجموعه مصاحبه ها، مقالات، سخنرانیها و... درباره زندگانی و شخصیت شهید آیه الله مطهری)، تهران، صدرا، ۱۳۸۰.

منبع: قدس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۰۲۴۰/ایشان-جلو-پدرش-هرگز-شوخی-هرگز-پدرش-جلو-ایشان/۳۰۲۴۰>